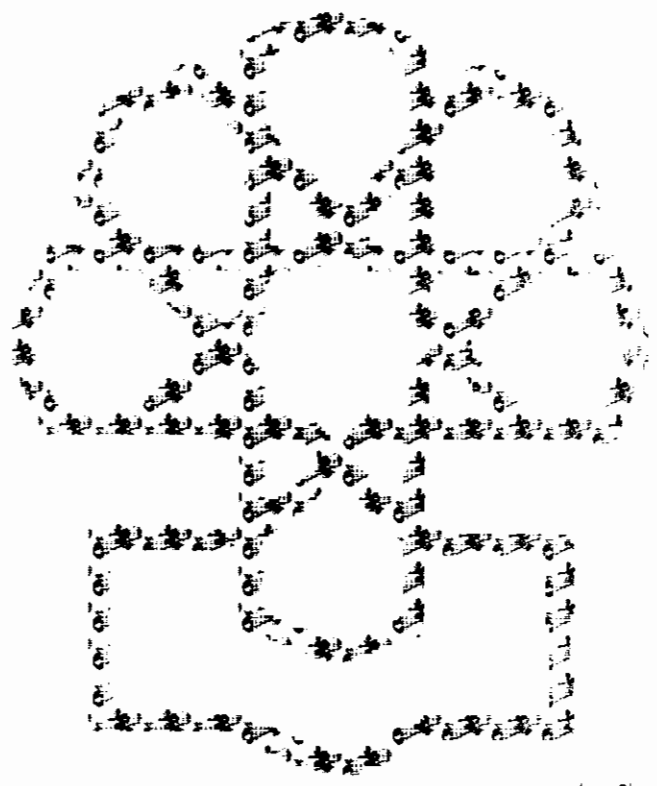


ع ۷ ۹



پیش‌بینی عملکرد بودجه ۱۳۷۹ و همسنجی آن با اهداف مربوط به اولین سال برنامه پنجساله سوم توسعه

درباره لایحه بودجه ۱۳۷۹ - شماره (۲)



معاونت پژوهشی
دی ۱۳۷۸

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۱۵۰۵۲
تاریخ: ۷۸/۱۰/۲۴

کد گزارش: ۱۶۰۵۱۱۹

بسمه تعالی

پیش‌بینی عملکرد بودجه ۱۳۷۹ و همسنجی آن با اهداف مربوط به اولین سال
برنامه پنجساله سوم توسعه

کد گزارش: ۱۶۰۵۱۱۹

فهرست مطالب

- ۲..... نکات برجسته
- ۳..... ۱- مقدمه
- ۵..... ۲- فروض مورد استفاده در پیش‌بینی‌ها
- ۷..... ۳- پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۷۹ و مقایسه آن با اهداف برنامه سوم
- ۱۱..... ۴- خلاصه نتایج و دلایل

تعداد صفحات:

تعداد جداول:

* سال ۱۳۷۹ سال اول برنامه پنجساله سوم است. بنابراین، بودجه این سال را باید در قالب برنامه پنجساله سوم مورد بررسی قرار داد. همان‌گونه که انتظار می‌رود، اعتبارات جاری و عمرانی بودجه ۱۳۷۹، هماهنگ با برنامه سوم در نظر گرفته شده است و لذا این بودجه باید زمینه‌ساز نیل به اهداف کلان مربوط به سال اول برنامه باشد.

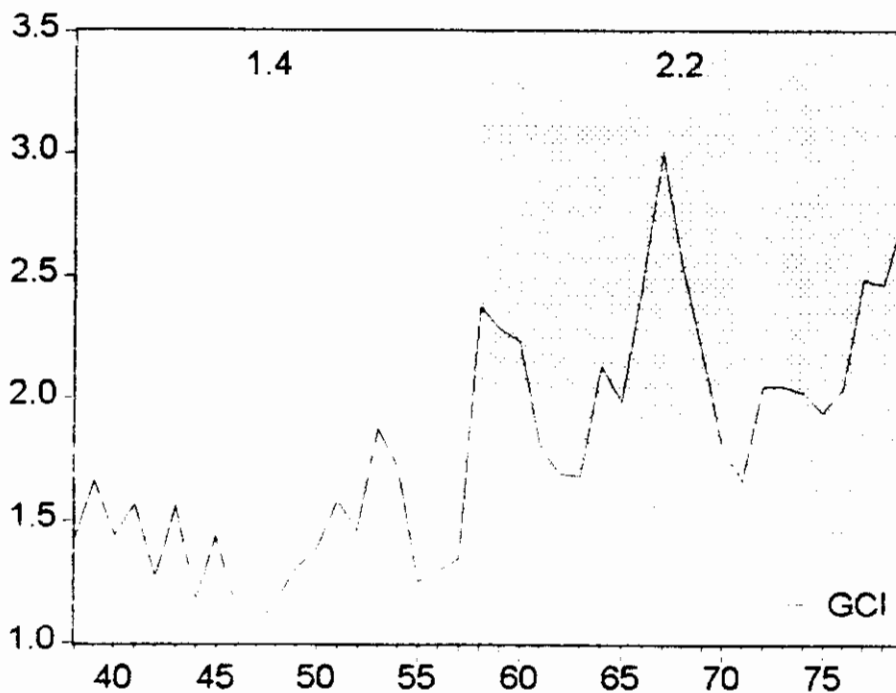
* پیش‌بینی‌هایی که در این گزارش با استفاده از یک مدل کلان‌سنجی به عمل آمده است. حاکی از آن است که حتی با در نظر گرفتن فروض خوشبینانه در مورد صادرات نفت و استفاده از اعتبارات خارجی، نیل به اهداف مربوط به سال اول برنامه سوم در زمینه سرمایه‌گذاری، تولید، تورم و... با توجه به وضعیت ترکیب اعتبارات جاری و عمرانی بودجه ۱۳۷۹ و عملکرد قبلی و با ساختارهای موجود، امکان‌پذیر نیست. در واقع، میزان اعتبارات عمرانی بودجه ۱۳۷۹ نمی‌تواند رشد در نظر گرفته شده برای سرمایه‌گذاری دولت در سال اول برنامه سوم را تأمین نماید و پیش‌بینی رشد سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی نیز با تصویر ترسیم شده در برنامه سوم فاصله قابل توجهی دارد. بدین ترتیب، چنانچه عملکرد جذب سرمایه‌های خارجی نیز همانند گذشته باشد، حداکثر رشد تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در سال ۱۳۷۹ نمی‌تواند به ترتیب از ۳ و ۳/۵ درصد تجاوز نماید در حالی که رشدهای در نظر گرفته شده برای سال اول برنامه سوم، به ترتیب ۴/۵ و ۵/۹ درصد می‌باشد.

* نیل به نرخ‌های رشد نسبتاً بالا نظیر آنچه در برنامه سوم مطرح شده، مستلزم یک زیر برنامه سنجیده در زمینه سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه است. چنین زیر برنامه عملی و قابل اطمینانی را در درون برنامه سوم نمی‌بینیم. ترکیب مخارج جاری و عمرانی در بودجه ۱۳۷۹ نیز به نوبه خود نشان از توجه لازم به امر سرمایه‌گذاری دولتی ندارد.

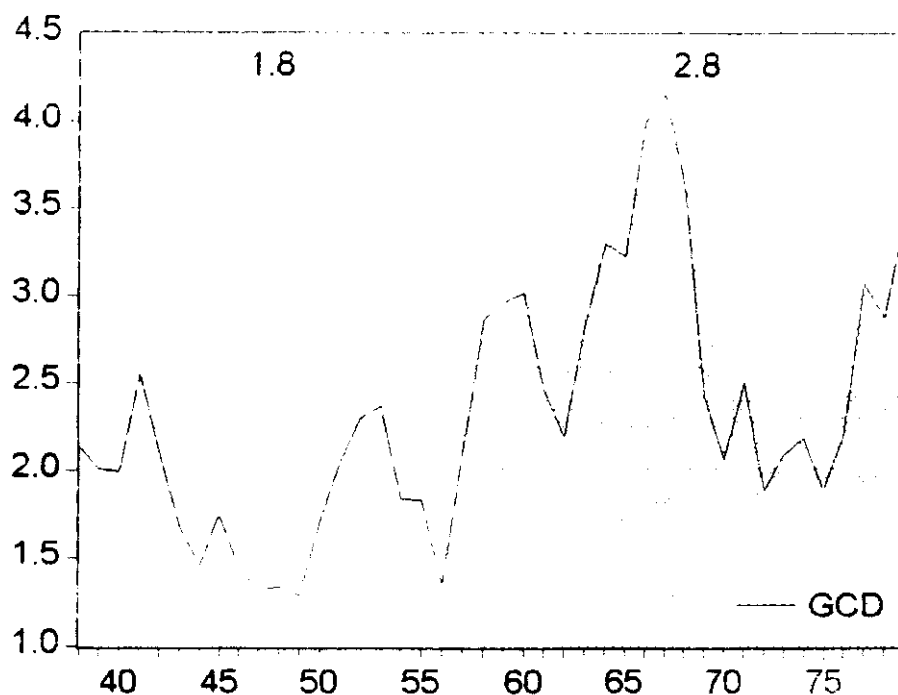
از جمله الزامات اساسی در تسریع رشد اقتصادی، سرعت بخشیدن به نرخ انباشت سرمایه و همچنین، افزایش بهره‌وری و پیشرفت فنی است. در تمامی این موارد، امر سرمایه‌گذاری عامل کاملاً تعیین‌کننده‌ای می‌باشد. در اقتصاد ایران، با توجه به نقش و بزرگی نسبی دولت، رفتار دولت در زمینه سرمایه‌گذاری حائز اهمیت بسیار است. بالاخص، با در نظر گرفتن این‌که دولت به واسطه انحصار نفت، رسالت با اهمیتی در باب سرمایه‌گذاری عواید حاصل از فروش این ثروت ملی را بر عهده دارد. اهمیت بین نسلی منابع طبیعی سبب می‌شود که مسئولیت دولت در به کارگیری مناسب عواید ناشی از انحصار نفت به نسل حاضر محدود نشود. دولت در این مورد در برابر نسل‌های بعدی نیز مسئول است. لذا بهترین نحوه استفاده از ثروت‌های طبیعی نظیر نفت، تبدیل آنها به انواع دیگر ثروت از طریق سرمایه‌گذاری برای استفاده نسل حاضر و نسل‌های آتی است.

اگر دولت کلیه درآمدهای نفتی خود را صرف امر سرمایه‌گذاری می‌کرد، با فرض این‌که نیمی از درآمدهای دولت را به نفت و فراورده‌های مربوط به آن نسبت دهیم، نسبت مخارج مصرفی به مخارج سرمایه‌گذاری دولت باید در حدود یک می‌بود. نمودار شماره ۱، نحوه تحول این نسبت را در دوره ۱۳۳۸-۱۳۷۹ نشان می‌دهد (GCI).

نمودار شماره (۲)، نسبت اعتبارات جاری به عمرانی (GCD) را برای همان دوره زمانی منعکس می‌نماید.



نمودار شماره ۱- تحول نسبت مخارج مصرفی به سرمایه‌گذاری دولت به قیمت ثابت (GCI)



نمودار ۲- تحول نسبت اعتبارات جاری به عمرانی بر حسب قیمت جاری (GCD)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نسبت‌های مزبور (GCD و GCI) همواره بزرگ‌تر از یک بوده‌اند. میانگین GCI در سال‌های قبل از انقلاب ۱/۴ و بعد از انقلاب ۲/۲ می‌باشد. یعنی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۳۸ بر حسب قیمت‌های ثابت، دولت در ازای هر ریال سرمایه‌گذاری، به طور متوسط ۱/۴ ریال مصرف کرده و طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۵۸ در برابر هر ریال سرمایه‌گذاری، ۲/۲ ریال مصرف نموده است. نسبت GCD نیز همین واقعیت را به بیان نسبت مخارج جاری به عمرانی بر حسب قیمت‌های جاری نشان می‌دهد. در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۵۷ در ازای هر ریال که به اعتبارات عمرانی اختصاص یافته، ۱/۸ ریال به اعتبارات جاری تخصیص داده شده است در حالی که طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۵۸، در برابر هر ریال از اعتبارات عمرانی، ۲/۸ ریال به اعتبارات جاری اختصاص یافته است.^۱

باید توجه داشت که چون در برخی از سال‌های قبل و بعد از انقلاب، سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت، خیلی بیش از ۵۰ درصد بوده است، جزئیات تصاویر فوق در یک نمودار دقیق‌تر که نسبت به این موارد تعدیل شده باشد، تفاوت‌هایی خواهد داشت ولی این تفاوت‌ها در حدی نیست که تغییر اساسی در مسیر تحول GCD و GCI طی دوران قبل و بعد از انقلاب ایجاد کند. بالاخص چنانچه نمودارها را نسبت به درآمدهای ناشی از فروش ارز حاصل از صادرات نفت با نرخ‌های چندگانه متفاوت با نرخ رسمی پایه در دوران اعمال نرخ‌های ارز چندگانه و کنترل‌های ارزی تعدیل نماییم، تفاوت‌های فوق‌الذکر کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

در هر صورت، بخشی از کاهش میانگین رشد تولید در دوران بعد از انقلاب را می‌توان به تخفیف نسبی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری دولت نسبت داد. در همین راستا، عوامل بسیار با اهمیتی از قبیل تخریب

۱. شایان ذکر است که در محاسبه GCI برای سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۷ از مقادیر پیش‌بینی شده هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت و در محاسبه GCD در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۸ از برآورد اعتبارات جاری و عمرانی ۱۳۷۸ و ارقام پیشنهادی مربوط به بودجه ۱۳۷۹ استفاده کرده‌ایم.

سرمایه‌ها در نتیجه جنگ تحمیلی نیز در این باره قابل طرح هستند. بنابراین، آهسته شدن سرعت سرمایه‌گذاری دولتی و وضعیت مشابه در مورد سرمایه‌گذاری خصوصی از جمله علل مهم کاهش میانگین رشد تولید در دوران بعد از انقلاب بوده است.

بودجه سال ۱۳۷۹ که اولین سال در برنامه پنجساله سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) می‌باشد، به عنوان یک بودجه مبتنی بر برنامه، باید زمینه‌ساز نیل به اهداف مربوط به سال اول برنامه باشد. اعتبارات عمرانی و جاری در بودجه ۱۳۷۹ به ترتیب معادل با ۲۴۹۳۵ و ۸۵۴۶۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است که تقریباً برابر با ارقام اعلام شده در لایحه برنامه سوم در مورد اعتبارات عمرانی و جاری در سال اول برنامه (به ترتیب معادل با ۲۵۹۰۶/۳ و ۸۵۰۸۲/۳) می‌باشد. بدین ترتیب نسبت اعتبارات جاری به عمرانی (به قیمت جاری)، یعنی نسبت GCD، برابر با ۳/۴ خواهد بود. پیش‌بینی‌های انجام شده ما نشان می‌دهد که نسبت مخارج مصرفی به سرمایه‌گذاری (برحسب قیمت ثابت)، یعنی GCI، در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲/۷ افزایش خواهد یافت.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در بودجه ۱۳۷۹، به طور نسبی، توجه چندانی به امر سرمایه‌گذاری دولتی نشده است. با توجه به این که دولت در اقتصاد ایران سهم نسبتاً بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص داده است، بی‌توجهی او به سرمایه‌گذاری تأثیر ناخوشایندی بر تشکیل سرمایه ملی خواهد داشت. در بخش‌های بعدی این گزارش، با استفاده از یک مدل کلان‌سنجی نتیجه اعمال ترکیب فوق‌الذکر بودجه ۱۳۷۹ را از نقطه نظر امکان‌پذیری نیل به اهداف مربوط به متغیرهای عمده کلان در سال اول برنامه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در بخش ۲ به معرفی فروض مورد استفاده در پیش‌بینی می‌پردازیم. بخش ۳ به ارائه نتایج پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۷۹ و مقایسه آن با اهداف مربوط به همین سال در برنامه سوم اختصاص یافته است. در نهایت، خلاصه نتایج و جمع‌بندی مباحث مطرح شده در این گزارش، طی بخش ۴ ارائه می‌شود.

۲- فروض مورد استفاده در پیش‌بینی‌ها

در این گزارش برای پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۷۹ از شکل تکمیل شده مدل بهرامی^۱ استفاده کرده‌ایم. چون اطلاعات آماری رسمی مربوط به متغیرهای کلان صرفاً تا سال ۱۳۷۶ انتشار یافته است و با توجه به این که به سبب ساختار پویای مدل، برای پیش‌بینی وضعیت سال ۱۳۷۹، ابتدا باید وضعیت متغیرها در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۶ تعیین شود، کل دوره پیش‌بینی در این گزارش محدوده ۱۳۷۷-۱۳۷۹ را در بر می‌گیرد (دوره تخمین مدل، ۱۳۷۶-۱۳۴۰ می‌باشد).

برای این که از یک مدل کلان‌سنجی ساختاری در پیش‌بینی بهره بجوییم، لازم است مسیر دو گروه از متغیرها را در دوره پیش‌بینی (۱۳۷۷-۱۳۷۹)، به عنوان ورودی به مدل وارد کنیم. گروه اول متغیرهای برون‌زا هستند. عمده‌ترین متغیرهای برون‌زا در مدل کلان‌سنجی مورد استفاده ما عبارت از شاخص ارزش دلار، شاخص قیمت‌های خارجی، نرخ بهره خارجی، صادرات نفت (و گاز و فراورده‌ها) برحسب (میلیون)

۱ برای کسب اطلاع از جزئیات طراحی، تخمین و آزمون شکل اولیه مدل بهرامی به منبع زیر مراجعه فرمایید
جاوید بهرامی، «نحوه انتقال سر به‌های نفتی در نظام‌های ارزی گوناگون و عملکرد سیاست‌های تثبیت (مورد ایران)»، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

ضمناً، در مورد اصلاحات صورت گرفته در مدل تکمیل شده می‌توانید با نگارنده تماس حاصل فرمایید

دلار و قیمت هر بشکه نفت برحسب دلار می‌باشد. در جدول شماره ۱، ارزش‌های فرض شده برای این متغیرها در دوره پیش‌بینی ارائه شده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صادرات نفت در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ را به ترتیب معادل با ۱۴۰۰۰ و ۱۶۰۰۰ میلیون دلار (۱۴ و ۱۶ میلیارد دلار) فرض کرده‌ایم. اگر چه این فرض با توجه به وضعیت فعلی بازار نفت و افزایش قیمت هر بشکه نفت ایران به حدود ۲۴ دلار، احتیاط‌آمیز به نظر می‌رسد، لیکن در مقایسه با ارزش‌های در نظر گرفته شده در برنامه سوم برای این دو سال که به ترتیب ۱۲۹۲۱ و ۱۲۶۴۷ می‌باشد، خوشبینانه محسوب می‌شود.

جدول ۱- ارزش‌های در نظر گرفته شده برای متغیرهای برون‌زا

سال	شاخص ارزش دلار (۱۳۶۱=۱۰۰)	شاخص قیمت خارجی (۱۳۶۱=۱۰۰)	نرخ بهره خارجی	صادرات نفت (میلیون دلار)	متوسط قیمت هر بشکه نفت ایران (دلار)
۱۳۷۷	۸۱٫۳	۱۷۱٫۶	۵٫۰۵	۹۹۴۲	۱۰٫۵
۱۳۷۸	۷۹٫۸	۱۷۵٫۴	۴٫۷	۱۴۰۰۰	۱۵
۱۳۷۹	۸۰	۱۸۱	۵	۱۶۰۰۰	۱۷

به علاوه، انتظار داریم که با توجه به اتخاذ سیاست ضد نوسان از طریق تنظیم برنامه و بودجه‌ها بر مبنای میانگینی قابل حصول از صادرات نفت و ذخیره‌سازی (ترجیحاً سرمایه‌گذاری) مازاد درآمد ارزی صادرات نفت برای جبران کاهش درآمدهای نفتی در هنگام تنزل قیمت این محصول، ارزش‌های فرضی مورد استفاده ما قابل توجیه باشد. از جمله دلایل دیگری که در توجیه ارزش‌های فرض شده برای صادرات و متوسط قیمت هر بشکه نفت می‌توان مطرح کرد، مسئله پیش فروش اجباری نفت در قیمت‌های پایین طی دوره قبل از توافق به عمل آمده میان تولیدکنندگان عمده می‌باشد. بدین ترتیب در سال ۱۳۷۸ و احتمالاً ۱۳۷۹، ما قادر نخواهیم بود که از حداکثر ظرفیت صادراتی خود در قیمت‌های روز بازار نفت استفاده کنیم. با توجه به مراتب فوق، ارزش‌های فرض شده برای صادرات نفت در شرایط حاضر نسبتاً خوشبینانه است و در ادامه می‌خواهیم نشان دهیم که حتی با در نظر گرفتن فروض نسبتاً خوشبینانه، تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای سال اول برنامه با ترکیب مطرح شده در بودجه ۱۳۷۹ امکان‌پذیر نخواهد بود. شایان ذکر است که ارزش سایر متغیرهای برون‌زا برای سال ۱۳۷۷، با توجه به آمارهای بین‌المللی (IFS) تعیین شده و ارزش‌های مربوط به سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹ به طور تقریبی بر مبنای عملکرد سال‌های گذشته هر یک از متغیرها برآورد شده است.

دسته دوم متغیرها که مسیر آنها در دوره پیش‌بینی باید به عنوان ورودی در اختیار مدل قرار گیرد، متغیرهای برون‌زای سیاستی هستند. اعتبارات عمرانی، اعتبارات جاری، نرخ ارز رسمی، اعتبارات خصوصی و تراز سرمایه (برحسب میلیون دلار)، متغیرهای سیاستی در مدل کلان‌سنجی مورد استفاده ما هستند. جدول شماره ۳، ارزش‌های در نظر گرفته برای این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۲- ارزش‌های در نظر گرفته شده برای متغیرهای سیاستی

سال	اعتبارات عمرانی (میلیارد ریال)	اعتبارات جاری (میلیارد ریال)	نرخ ارز پایه		رشد اعتبارات خصوصی (درصد)	تراز سرمایه (میلیون دلار)
			حالت ۱ (ریال)	حالت ۲ (ریال)		
۱۳۷۷	۱۷۴۲۴/۷	۵۳۵۴۵/۶	۱۷۵۳	۲۰۰۰	۱۵	۲۵۰۰
۱۳۷۸	۲۲۹۵۷/۲	۶۶۰۵۲/۵	۱۷۵۳	۲۵۰۰	۲۵	۲۵۰۰
۱۳۷۹	۲۴۹۳۵	۸۵۴۶۰	۱۷۵۳	۳۰۰۰	۲۰	۲۵۰۰

ارقام مربوط به اعتبارات عمرانی و جاری سال ۱۳۷۷، عملکرد مربوط به آن سال می‌باشند. عملکرد اعتبارات عمرانی و جاری سال ۱۳۷۸ را با استفاده از نسبت عملکرد ۸ ماهه به $\frac{8}{12}$ مصوب و با در نظر گرفتن رابطه بین این نسبت و نسبت عملکرد به مصوب ۱۲ ماهه در سال ۱۳۷۷، برآورد نمودیم. ارقام اعتبارات عمرانی و جاری ۱۳۷۹ نیز مقادیر پیشنهادی بودجه ۱۳۷۹ هستند.

برای نرخ ارز رسمی پایه (ارزش یک دلار امریکا بر حسب ریال) دو حالت در نظر گرفته شد. در حالت اول، نرخ ارز رسمی پایه در سطح ۱۷۵۳ ریال ثابت فرض می‌شود و در حالت دوم، این نرخ از ۲۰۰۰ ریال در سال ۱۳۷۷ به ۳۰۰۰ ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش می‌یابد.

با توجه به این‌که در سال‌های گذشته، نرخ رشد اعتبارات خصوصی (خالص بدهی بخش غیردولتی به نظام بانکی) تقریباً با نرخ رشد نقدینگی هماهنگ بوده است، برای سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹، نرخ رشد متغیر مزبور را بر مبنای رشد نقدینگی اعلام شده در برنامه سوم برآورد کردیم. با در نظر گرفتن سیاست‌های سخت‌گیری در سال ۱۳۷۷، رشد اعتبارات خصوصی در این سال را برابر با ۱۵ درصد فرض نمودیم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ارزش‌های مربوط به تراز سرمایه طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۹، کاملاً خوشبینانه و برابر با ۲۵۰۰ میلیون دلار (۲/۵ میلیارد دلار) فرض شده است. چنانچه تعهدات بازپرداخت بدهی‌ها در هر سال برای دوره ۱۳۷۷-۱۳۷۹، تقریباً ۳۵۰۰ میلیون دلار باشد، برای رسیدن به ارقام فرضی فوق، باید به میزان ۶۰۰۰ میلیون دلار استفاده از اعتبارات خارجی (و سرمایه‌گذاری خارجی) داشته باشیم (این رقم برای سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹، با فرض این‌که بخشی از مازاد درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت در چارچوب سیاست ضد نوسان یاد شده در بالا در خارج از کشور سرمایه‌گذاری شود، بیشتر خواهد بود).

اکنون با در نظر داشتن اطلاعات فرضی فوق‌الذکر، می‌توانیم با استفاده از مدل کلان‌سنجی به پیش‌بینی ارزش متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۷۹ پرداخته و به مقایسه آن با اهداف کمی مربوط به سال اول برنامه سوم توسعه بپردازیم. بخش بعدی این گزارش به ارائه نتایج پیش‌بینی‌ها اختصاص یافته است.

۳- پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۷۹ و مقایسه آن با اهداف برنامه سوم

در پیش‌بینی‌هایی که در این بخش ارائه می‌شود، علاوه بر این‌که دو حالت مذکور در جدول شماره ۲ برای نرخ ارز را مورد نظر داریم، دو وضعیت مختلف به صورت تعدیل و عدم تعدیل درآمدهای نفتی دولت نسبت به تغییرات قیمت را نیز بررسی خواهیم کرد. در حالت تعدیل درآمدهای نفتی، فرض می‌کنیم که قیمت فرآورده‌های نفتی متناسب با تغییر در سطح عمومی قیمت تعدیل می‌شود. بدین ترتیب، برای هر

متغیر در هر سال، چهار نوع پیش‌بینی که حاصل از دو حالت ۱ و ۲ نرخ ارز و دو حالت تعدیل و عدم تعدیل درآمدهای نفتی است، ارائه خواهد شد.

با توجه به تعدیل‌هایی که در سال‌های اخیر بر روی قیمت فراورده‌های نفتی صورت می‌گیرد، هر چند که نحوه و شکل این تعدیل‌ها کاملاً هماهنگ با سناریوی تعدیل درآمد نفتی که در بالا به آن اشاره شد نمی‌باشد، لیکن معمولاً پیش‌بینی‌های حاصل از سناریوی تعدیل با نتایج تاریخی مربوط به چندین سال گذشته سازگارتر بوده است.

در جدول شماره ۳، نتیجه چهار نوع پیش‌بینی انجام شده در مورد رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ارائه شده است. علاوه بر اینها، در ستون آخر (از سمت راست)، هدف مربوط به اولین سال برنامه سوم (سال ۱۳۷۹) و نیز برآورد مدل برنامه از رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) در سال ۱۳۷۸ را نیز ارائه نموده‌ایم.

جدول ۳- حالت‌های مختلف پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (درصد)

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی		پیش‌بینی و هدف برنامه سوم
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲	
۱۳۷۷	۲/۳	۲/۲	۲	۱/۹	
۱۳۷۸	۲/۵	۲/۴	۲/۴	۲/۳	۲/۵
۱۳۷۹	۳	۲/۹	۲/۸	۲/۷	۴/۵

چنان‌که مشاهده می‌شود هدف موردنظر برنامه سوم، یعنی نرخ رشد ۴/۵ درصد برای سال ۱۳۷۹، با پیش‌بینی ما در کلیه حالت‌های مطرح شده در جدول شماره ۳ فاصله قابل توجهی دارد. حداکثر رشد تولید پیش‌بینی شده مربوط به حالت عدم تعدیل درآمد نفتی و نرخ ارز رسمی ثابت (حالت ۱ نرخ ارز) بوده و برابر با ۳ درصد می‌باشد که ۱/۵ درصد از رشد هدف کوچک‌تر است.

مشابه اطلاعات جدول شماره ۳ را در جدول شماره ۴ در مورد رشد تولید ناخالص غیرنفتی به قیمت ثابت ملاحظه می‌کنیم:

جدول ۴- حالت‌های مختلف پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی

غیرنفتی به قیمت ثابت (درصد)

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی		پیش‌بینی و هدف برنامه سوم
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲	
۱۳۷۷	۲/۵	۲/۳	۲/۱	۲	
۱۳۷۸	۳/۵	۳/۴	۳/۴	۳/۳	۲/۴
۱۳۷۹	۳/۳	۳/۲	۳/۱	۳	۵/۹

تفاوت بین هدف برنامه، یعنی رشد ۵/۹ درصدی در تولید ناخالص غیرنفتی طی سال ۱۳۷۹ با حداکثر رشد پیش‌بینی شده ما، یعنی ۳/۳ درصد، واضح‌تر از آن چیزی است که در مورد تولید ناخالص داخلی

مشاهده کردیم.

یکی از عمده ترین دلایل این ناهماهنگی بین اهداف و پیش بینی رشد تولید را می توان در تفاوت آشکار اهداف تعیین شده در مورد رشد سرمایه گذاری و پیش بینی های حاصل از مدل جستجو کرد. جداول شماره ۵ و ۶ به ترتیب، وضعیت رشد سرمایه گذاری خصوصی و سرمایه گذاری دولتی به قیمت ثابت را نشان می دهند.

جدول ۵- حالت های مختلف پیش بینی رشد سرمایه گذاری ناخالص

(درصد)

خصوصی به قیمت ثابت

پیش بینی و هدف برنامه سوم	تعدیل درآمدهای نفتی		عدم تعدیل درآمدهای نفتی		سال
	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	
	-۳	-۲/۷	-۲/۶	-۲/۳	۱۳۷۷
۲/۷	-۰/۳	۰/۱	-۱/۳	-۱	۱۳۷۸
۶/۱	۲/۹۶	۳/۰۵	۳/۰۳	۳	۱۳۷۹

جدول ۶- حالت های مختلف پیش بینی رشد سرمایه گذاری ناخالص

(درصد)

دولتی به قیمت ثابت

پیش بینی و هدف برنامه سوم	تعدیل درآمدهای نفتی		عدم تعدیل درآمدهای نفتی		سال
	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	
	-۲۸	-۲۷/۸	-۳۲/۳	-۳۲/۲	۱۳۷۷
۵/۹	-۳/۷	-۳/۲	-۶/۵	-۶/۶	۱۳۷۸
۵/۶	-۱۱/۷	-۱۱/۱	-۱۴/۶	-۱۵	۱۳۷۹

حداکثر رشد سرمایه گذاری خصوصی پیش بینی شده مربوط به ترکیب تعدیل درآمدهای نفتی و حالت ۱ نرخ ارز. معادل با ۳/۰۵ درصد است، لیکن همین مقدار با هدف برنامه سوم برای سال ۱۳۷۹، یعنی ۵/۶ درصد، تفاوت آشکار دارد. این تفاوت در مورد سرمایه گذاری دولتی بسیار شدید است. حداکثر نرخ رشد پیش بینی شده برای سرمایه گذاری دولتی به قیمت ثابت برابر با ۱۱/۱- درصد می باشد در حالی که در برنامه سوم، ۵/۶ درصد رشد برای سرمایه گذاری دولتی در سال ۱۳۷۹ در نظر گرفته شده است. بنابراین، سرمایه گذاری دولتی به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۹ کمتر از ۱۳۷۸ خواهد بود. بدین ترتیب، اگر چه انتظار داریم که طی سال ۱۳۷۹ بر ذخیره سرمایه ملی افزوده شود، لیکن این افزایش کمتر از افزایش در ذخیره سرمایه (به قیمت ثابت) طی سال ۱۳۷۸ می باشد. لذا طبیعی است که پیش بینی کنیم نرخ رشد تولید غیرنفتی (به قیمت ثابت) در سال ۱۳۷۹ کوچک تر از رشد تولید غیرنفتی در سال ۱۳۷۸ باشد.

از جمله عوامل مغایرت پیش بینی سرمایه گذاری به قیمت ثابت با اهداف برنامه، مربوط به تفاوت قابل ملاحظه پیش بینی تورم با تورم هدف در سال ۱۳۷۹ می باشد. جدول شماره ۷ این تفاوت را کاملاً آشکار می نماید:

جدول ۷- حالت های مختلف پیش بینی تورم

(رشد شاخص ضمنی تولید غیر نفتی)

(درصد)

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی		پیش بینی و هدف برنامه سوم
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲	
۱۳۷۷	۲۹/۲	۲۹/۳	۲۴/۹	۲۵/۱	
۱۳۷۸	۲۸/۹	۲۸/۸	۲۵/۵	۲۶	۲۲/۱
۱۳۷۹	۲۷/۵	۲۷	۲۳/۵	۲۴/۱	۱۹/۹

همانند سرمایه گذاری خصوصی و دولتی، حداقل انحراف پیش بینی های ما از هدف برنامه برای تورم سال ۱۳۷۹ مربوط به ترکیب تعدیل درآمد نفتی با حالت ۱ نرخ ارز می باشد. حتی در همین مورد، تورم پیش بینی شده به میزان ۳/۶ درصد بزرگ تر از هدف برنامه سوم، یعنی ۱۹/۹ درصد، است. علاوه بر موارد فوق، در مورد متغیرهای «تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی»، «تراز پرداخت ها» و «نرخ ارز بازار موازی» نیز پیش بینی هایی انجام داده ایم. این پیش بینی ها با هیچ کدام از اهداف کمی اعلام شده در لایحه برنامه سوم نظیر نمی باشند، لذا ذیلاً بدون مقایسه، صرفاً به ذکر نتایج پیش بینی ها می پردازیم. جدول شماره ۸، نتایج پیش بینی تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی را منعکس می کند. با توجه به ابهاماتی که در نحوه محاسبه کسری بودجه دولت وجود دارد، تغییر در خالص بدهی دولت به عنوان مشخص کننده دیگری از وضعیت توازن بودجه قابل استفاده است. ملاحظه می کنیم که در سال ۱۳۷۹، بسته به این که تعدیل درآمدهای نفتی صورت بگیرد یا خیر، توازن بودجه متفاوت خواهد بود. اگرچه در حالت عدم تعدیل درآمدهای نفتی، عدم توازن قابل ملاحظه ای در بودجه دولت پیش بینی می شود، لیکن در وضعیت تعدیل درآمدهای نفتی که احتمال وقوع آن بسیار بزرگ تر است، عدم توازن نسبتاً کوچکی در بودجه دولت وجود خواهد داشت. در این وضعیت پیش بینی می کنیم که بودجه دولت در سال ۱۳۷۹ از توازن نسبی برخوردار باشد.

جدول ۸- حالت های مختلف پیش بینی تغییر در خالص بدهی

دولت به نظام بانکی

(میلیارد ریال)

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی	
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲
۱۳۷۷	۲۵۲۵۴/۴	۲۶۰۱۶/۱	۹۳۰۳/۵	۹۳۲۷/۷
۱۳۷۸	۲۵۵۹۲/۸	۲۳۲۶۲/۲	۸۴۸۴/۷	۸۳۳۴/۷
۱۳۷۹	۲۷۸۹۲/۷	۱۸۶۷۲/۹	۱۷۹۰/۴	۱۰۲۱/۵

به همین ترتیب، جدول شماره ۹، در برگرفته پیش بینی های مربوط به وضعیت تراز پرداخت ها (برحسب میلیون دلار) در سال ۱۳۷۹ است. برطبق این جدول، چنانچه فروض خوشبینانه ما در مورد صادرات نفت و استفاده از اعتبارات خارجی (و جذب سرمایه خارجی) به گونه ای که سبب ۲۵۰۰ میلیون دلار تراز مثبت سرمایه در هر سال شود به وقوع بپیوندد، تراز پرداخت ها در سال ۱۳۷۹، مثبت خواهد بود. حصول صادرات نفت و تراز سرمایه در حد کمتر از ارزش های فرض شده در جدول شماره ۲، تقریباً به

همان اندازه تفاوت با فروش صورت گرفته، باعث کاهش تراز پرداخت‌های سال ۱۳۷۹ خواهد شد.

جدول ۹- حالت‌های مختلف پیش‌بینی تراز

(میلیون ریال)

پرداخت‌های خارجی

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی	
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲
۱۳۷۷	-۷۸۵/۱	-۴۸۰/۱	-۱۵۸۲/۲	-۱۲۱۴/۹
۱۳۷۸	۲۳۱۳	۲۹۶۶/۶	۴۶۲/۱	۱۳۳۶/۳
۱۳۷۹	۲۴۵۴/۸	۳۲۷۰/۹	۱۲۶	۱۳۲۲/۲

در نهایت، پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ ارز بازار موازی (بازار غیررسمی) را در جدول شماره ۱۰ ملاحظه می‌کنیم. اگر چه با فرض عدم تعدیل درآمدهای نفتی، نرخ ارز بازار غیررسمی در سال ۱۳۷۹ می‌تواند به حدود ۱۰۰۰۰ ریال افزایش یابد، لیکن در صورت تعدیل درآمدهای نفتی، افزایش این نرخ ارز در مقایسه با نرخ ارز غیررسمی در سال ۱۳۷۸ نسبتاً ناچیز خواهد بود.

جدول ۱۰- حالت‌های مختلف پیش‌بینی نرخ ارز

(ریال)

در بازار موازی

سال	عدم تعدیل درآمدهای نفتی		تعدیل درآمدهای نفتی	
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۱	حالت ۲
۱۳۷۷	۶۷۴۸/۸	۶۷۶۱/۵	۶۶۸۷/۱	۶۷۰۷/۴
۱۳۷۸	۸۶۶۸/۶	۸۶۱۲/۸	۷۸۴۸/۳	۷۸۵۳/۱
۱۳۷۹	۱۰۱۹۴/۵	۹۸۶۲	۸۸۲۹/۷	۸۷۲۰/۳

۴- خلاصه نتایج

پیش‌بینی‌های انجام شده در بخش ۳ نشان داد که بودجه ۱۳۷۹، در صورت تحقق درآمدهای ناشی از اصلاح قیمت فرآورده‌های نفتی می‌تواند یک بودجه نسبتاً متوازن باشد. متأسفانه ترکیب اعتبارات جاری و عمرانی در بودجه سال ۱۳۷۹ به گونه‌ای است که حتی با تورم هدف برنامه سوم برای سال ۱۳۷۹، یعنی تورمی در حدود ۲۰ درصد، مخارج سرمایه‌گذاری دولت به قیمت‌های ثابت دارای رشد منفی خواهد شد. این امر در کنار رشد ناکافی سرمایه‌گذاری خصوصی (در مقایسه با اهداف برنامه برای سال ۱۳۷۹) به تشکیل سرمایه ناکافی در طول سال ۱۳۷۹ منجر می‌شود. بدین ترتیب نیل به اهداف مربوط به رشد تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص غیرنفتی در سال اول برنامه سوم (۱۳۷۹)، امکان‌پذیر نخواهد بود.

با توجه به مراتب فوق، بودجه ۱۳۷۹ به عنوان یک بودجه برنامه‌ای در قالب برنامه سوم توسعه، در زمینه‌سازی لازم برای تحقق اهداف برنامه در مورد سرمایه‌گذاری و تولید از تناسب لازم برخوردار نمی‌باشد. چنانچه عملکرد جذب سرمایه‌های خارجی همانند سال‌های قبل باشد، توجه بیشتر به امر سرمایه‌گذاری دولتی در بودجه‌های مرتبط با برنامه سوم ضروری‌تر به نظر می‌رسد.